

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

حاجی زرنګی

سر ما حاجی کړده کُلتګی
به مثل ببر و گفتار و پلنګی
نوشته از فراق و سوز هجران
به وصل گلرخان انداخته چنګی
سروده نقدک مرچ و نمکدار
که داره با من بیچاره چنګی
سپاه طبع خود آماده کرده
به دست هریکی ، توپ و تفنګی
عجائب کودتا و انقلابی
نموده حضرت حاجی زرنګی
گهی رفته به صحرا پشت مجنون
گهی از مهر لایلا خورده سَنګی
نوشته طعنه با تلوار گفتار
به روی صفحه تدبیر تنګی
ولاکن تیغ حرفش ، سوی بنده
ز پندش جام ما ، پر از شرنګی

ندانم از چه بامن لَج نموده
نژنگ و ینگِ مَنگش بوده ونگ
به هر شهری که رفتم ، نیز رفته
به همراهی شراب و چرس و بنگ
نموده میلِ پودر ، بی تحمّل
چو تریاکی ، بسی لنگان و لنگ
گهی شیخ و گهی مفتی و قاضی
گهی صوفی و گه ملا ملنگ
چه آهنگِ بدیعی ، ساز کرده
به رقص آورده دل بی تار و چنگ
ولاکن ، شاعرِ شیوا بیانست
نوشته پاسخم را ، بی درنگ
ردیف و قافیه از ما گرفته
بیکوبیده همه را در اونگ
خمیرش کرده بادستِ صداقت
زواله های چیده ، بر تبنگ
تنورِ وحدتی ، آتش نموده
ز غیرت پخته نان و آشِ ننگ
به رویِ سُفرهٔ فرهنگ ، چیده
که نوشِ جان کند ، هر شوخ و شننگ
و خود نا خورده ، بسکه مست گشته
گرفته بیل و خُفته در پِشننگ
خبر شد تا ، ز جریان ، خامهٔ من
به جولان آمد و ، قی کرد رنگ
وطن گم کرد و ، چون ما در بدر شد
اجیرِ مفتی ، در ملکِ فرننگ
بیا «نعمت» سرودِ عشق سرکن
نه حرفِ مفت و زشت و نه جفننگ